

### متن پرسش

سلام استاد: مریض بد حال دارم، ممنون اگر دعا بکنید، خراب کردم آقا جان، وقتی ذی القربای من در مضیقه ی مال بود من دلمشغول خریدن و خوردن مارکها و مدرن ها! بودم به خیال خودم، و هیچ خبر از حال خلوت خانه آنان نداشتم، وقتی گرفتار غم دنیا بودند و هستند من گرفتار غم آخرت خودم و دنیای آنان نبودم، بلکه من فقط گرفتار غم خودم می خواستم باشم و به کسی جز خودم فکر نمی کردم؛ همین خودی که اینقدر بیچاره و ذلیل کرده!! از آنطرف خودم باعث غم و مشکل بیشتر آنان هم بودم بعضی وقتها، و اندوه یا مشکلات بزرگی برایشان درست کردم، دلم به کجای دینداری ام خوش باشد دیگر؟ باید اصلا شرم کنم که یا جابر بگویم! شده ام مصداق عینی الذین ضل سعیهم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون ان یحسنون صنعا! دیگر چه جای جبرانی؟ واقعا دیگر چه جای جبرانی؟ چه برای من چه برای آنها.. شدم طلبکار اطرافیانم و طلبکار یکسری آدم دیگر؛ از آنطرف به فرموده امام جواد عزت مومن در بی نیازی اش از مردم است... باور کنید اگر حواسم به این کارهای زشتم باشد و در حضورم بماند اینطور کارهایم؛ آنوقت اگر خدا هم باز ببخشد و به بهشتش بخواندم دلم نمی خواهد بروم؛ جهنم بعضی وقتها طعم شیرینی دارد؛ باید نوش جان کرد تا حال آدم سر جایش بیاید. دعا کنید حالا که من کار مفیدی برای اطرافیانم نکردم و آنها هم گرفتارند خدا گرفتاری دنیاشان را رفع کند که دغدغه شان آخرتشان بشود؛ دعا کنید خدا بیشتر و دائما حال مرا بگیرد؛ من جهنم لازم فعلا تا بعد ببینیم چه می شود، خلاصه اینکه خیلی از این بی خبری احوال ذوی الحقوق شرمنده ام و افسوس که این شرمندگی خانه در جانم ندارد و شرب مدام نیست؛ گاهی مست توبه می شوم ولی این مستی افسوس که دوام ندارد و مدام نیست، خودم را دارم بازی می دهم و باکم نیست، وای بر من این من اصلا به درک آقا جان؛ برای رفع اندوه اطرافیانم دعا کنید

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: إن شاء الله خداوند راهی برای جبران کوتاهی‌ها مقابلتان می‌گشاید با تواضع و ایثاری که پیشه می‌کنید. موفق باشید